



انقلاب اسلامی و ریشه های تاریخی آن

دکتر محمد رحیم عیوضی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمرة کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود. **متن آزمایشگاهی (م)** راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و کمک درسی (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست

پیشگفتار

۱	فصل اول: کلیات و چارچوب نظری
۲	۱. فرآیند تکوین جنیش‌ها تا شکل‌گیری انقلاب‌ها
۳	۱-۱ مفهوم‌شناسی جریان
۵	۲. مفهوم‌شناسی جنبش
۷	الف: ویژگی‌های جنیش
۹	ب: رابطه جنبش و جریان
۱۰	ج: روند تبدیل جنیش به انقلاب
۱۱	۳. مفهوم‌شناسی پدیده انقلاب؛ تعاریف و نظریه‌ها
۱۷	۴. مفهوم و ماهیت "اسلامی" انقلاب
۲۱	الف: ویژگی‌های انقلاب اسلامی
۲۱	۱. اصلت معنوی و تاریخی
۲۳	۲. اعتقاد به امامت
۲۵	۳. اعتقاد به ولایت و رهبری
۲۷	۱-۳ چالش رهبری: دیدگاه‌های متفاوت درباره امامت و خلافت
۲۹	۴. نقش روحانیت مبارز
۳۱	۵. رویه ایثار و شهادت
۳۲	ب: تحلیل فرآیند شکل‌گیری و ظهور انقلاب اسلامی
۳۲	۱. فلسفه تاریخی انقلاب اسلامی
۳۶	۲. مبانی فکری انقلاب اسلامی
۳۷	۱-۲ تفکر سیاسی شیعه از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی
۳۸	۲-۲ ضرورت تأسیس حکومت اسلامی
۳۹	۳. عوامل اصلی اثرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی
۴۰	الف: رویکردها و نظریه‌ها
۴۰	۱. رویکردهای تک‌عاملی
۴۱	۱-۱ رویکرد فرهنگی
۴۱	۲-۱ رویکرد اقتصادی

۳-۱ رویکرد روان‌شناسانه
۴-۱ تئوری نوسازی
۵-۱ تئوری توطنه
۲. رویکرد تلفیقی
فهرست منابع فصل اول

فصل دوم: زمینه‌های تاریخی انقلاب اسلامی از صدر اسلام تا آغاز مبارزات اصلاح‌گرایانه سید جمال‌الدین اسدآبادی

۵۱	۱. مروری کلی بر مبارزات و قیام‌های انقلابی شیعه در تاریخ صدر اسلام
۵۱	۱-۱ قیام عاشوراء به عنوان مهم‌ترین قیام الهام‌بخش انقلاب اسلامی
۵۳	۱-۲ قیام مختار ثقیقی؛ قیام ایرانی اسلامی با هدف خون‌خواهی امام حسین(ع) و یارانش
۵۵	۱-۳ اهمیت شناخت مبارزات سیاسی و انقلابی در صدر اسلام
۵۷	فهرست منابع فصل دوم
۵۹	

فصل سوم: ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی؛ از آغاز مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی تا رخداد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی(ره)

۶۱	۱. نقش روحانیت به مثابه یک نیروی سیاسی در مبارزات انقلابی و سیاسی از دوره صفویان تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۶۱	۲. مبارزات و آراء سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی
۶۶	۳. قیام تنباکو به مثابه یکی از مهم‌ترین زمینه‌های انقلاب اسلامی
۷۰	۴. نهضت مشروطیت
۷۲	۵. آراء و عقاید فقهی سیاسی شیخ فضل‌الله نوری برای استقرار مشروطه مشروعه و تصحیح مشروطیت فرمایشی
۷۴	۶. مبارزات فدائیان اسلام
۷۶	۷. مبارزات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت
۸۱	۸. ملی شدن صنعت نفت
۸۲	۹. مبارزات و آراء سیاسی آیت‌الله بروجردی
۸۴	۱۰. نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی(ره)
۸۷	۱-۱ اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی
۹۱	۲-۱ مستله ولایت فقیه
۹۳	۱۱. اهمیت شناخت مبارزات سیاسی روحانیت و رهبری دینی در تاریخ معاصر ایران
۹۵	فهرست منابع فصل سوم

فصل چهارم: علل و عوامل اثر گذار در زوال و سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۹۹	۱. انقلاب اسلامی؛ بحثی نظری
۹۹	۲. علل و عوامل اثر گذار در پیروزی انقلاب اسلامی
۱۰۴	۱-۲ رهبری
۱۰۴	۲-۲ ایدئولوژی
۱۰۷	۳-۲ مردم
۱۱۱	

۱۱۲	۴-۲ گسترش روحیه و بسیج انقلابی
۱۱۴	۵-۲ برنامه مدرنیزاسیون شاه و پیامدهای آن
۱۲۱	۶-۲ بزرگنمایی قدرت شاه و فشارهای بینالمللی
۱۲۵	۷-۲ شکافهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
۱۳۱	۸-۲ بحران هویت
۱۳۴	۹-۲ بحران مشارکت
۱۳۵	۱۰-۲ بحران مشروعيت رژیم پهلوی
۱۳۹	۱۱-۲ سقوط حکومت پهلوی
۱۴۳	فهرست منابع فصل چهارم
۱۴۷	فصل پنجم. مروری بر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۱۴۷	۱. نگاهی کلی بر تحولات داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی
۱۵۰	۲. تهدیدات انقلاب اسلامی به منافع قدرت‌های بزرگ
۱۵۱	۳. جنگ تحمیلی و چگونگی وقوع آن
۱۵۴	۴-۱ امام خمینی و جنگ تحمیلی
۱۵۵	۴-۲ جنگ تحمیلی و مواضع قدرت‌های بزرگ
۱۵۹	۴. منطقه خلیج فارس و استراتژی قدرت‌های بزرگ در این منطقه
۱۶۱	۴-۱ استراتژی آمریکا در حوزه خلیج فارس
۱۶۳	۴-۲ روابط آمریکا و ایران در منطقه خلیج فارس
۱۶۴	۵. آثار انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس
۱۶۵	۶. تأثیرات انقلاب اسلامی بر رشد بیداری اسلامی در جهان اسلام
۱۶۷	۷. آینده انقلاب اسلامی؛ تهدیدات و فرصت‌ها
۱۶۹	۸. مسائل پیش برنده نوظهور و پیامدهای تحقق آن‌ها در تصویر مطلوب از انقلاب
۱۷۰	۱-۸ افول هژمونی آمریکا
۱۷۳	۲-۸ آینده جمعیت و جایگاه مسلمانان
۱۷۵	۳-۸ بحران‌های اقتصاد جهانی
۱۷۸	۴-۸ ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی
۱۸۲	۵-۸ قدرت نرم؛ ارتقای جایگاه فرهنگ در جهان آینده و پتانسیلهای جمهوری اسلامی ایران
۱۸۵	۹. محدود شدن فرصت استفاده از زور (قدرت نظامی)
۱۸۹	فهرست منابع فصل پنجم

۱۹۱

مراجع

پیشگفتار

وقوع انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های پایانی قرن بیستم، یکی از رخدادها و پدیده‌های مهم و بزرگ تاریخی را رقم زد به طوری که در محافل علمی و مراکز دانشگاهی موجبات تحسین و حیرت تحلیل گران و صاحب نظران علوم سیاسی را فراهم آورد. از آنجا که این انقلاب برخلاف سایر انقلاب‌های مدرن از صبغه فرهنگی و ایدئولوژیکی برخوردار بودوبا لایه‌های اعتقادی وارزشی ملت ایران مانوس بود، بسیاری از پیش‌داوری‌های این تحلیل‌گران را به چالش کشید. در حوزه عمل نیز موجب تحولات زیرساختی و بنیادی در ساخت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران گردید و نیز موازنۀ قوا را در خاورمیانه و شمال آفریقا متحول نمود. از لحاظ الگوبرداری، انقلاب اسلامی ایران، جرقه‌های حرکت و جنبش‌های مردمی و اجتماعی گسترده‌ای را در جهان اسلام و ملل مستضعف آغاز کرد و الگوی رفتاری و عمل سیاسی بسیاری از جنبش‌های مردمی شد که با جنبش بیداری جهان اسلام این تنویر افکار همچنان ادامه دارد.

بر این اساس، انقلابی با این اوصاف و عمق راهبردی در تحول طبیعتاً دارای ریشه‌ها و بسترهای تاریخی و فرهنگی و بازتاب‌های عمیقی است که شناخت واقع‌بینانه و علمی از آن از یکسو، و نیز شناخت وضع موجود و مطلوب انقلاب اسلامی و آینده پژوهی رویدادها و تحولات آینده انقلاب از سوی دیگر، مستلزم مطالعه جامعه شناسی تاریخی و واکاوی و مطالعه این ریشه‌ها و بسترهای تاریخی و فرهنگی دراز مدت و کوتاه مدت است تا ضمن شناسایی عوامل و متغیرهای تاریخی و فرهنگی

ایجابی در وقوع انقلاب اسلامی، زمینه‌ی برقراری پیوند و همبستگی عوامل مذکور با تحولات کنونی ایران، منطقه و جهان مهیا شود و گامی در جهت شکل‌گیری بینشی آینده پژوهانه مبتنی بر تاریخ سیاسی و فرهنگی از انقلاب اسلامی ایران، برداشته شود. لذا در این کتاب، با هدف آشنایی دانشجویان با انقلاب اسلامی سعی بر آن است تا با ریشه‌یابی و بسترشناسی انقلاب اسلامی ایران در چارچوب تاریخ سیاسی شیعه و جامعه شناسی تاریخی حرکتها و جنبش‌های قرن اخیر ایران، پیامدهای ناشی از پدیده انقلاب اسلامی در سطح داخلی و خارجی نمایان شود و مهم‌تر اینکه با ایجاد ارتباط بین گذشته و حال انقلاب اسلامی، با بینشی آینده پژوهانه آینده انقلاب تحلیل شود و دستاوردهای آن در جوامع درحال گذار و شرایط تحول آزموده گردد.

در پایان لازم است از همه مدیران، همکاران و عوامل اجرایی که اینجانب را در تدوین این کتاب مساعدت نمودند تشکر و قدر دانی نمایم. خصوصاً جناب آقای دکتر خسرو بیگی و همکاران محترم انتشارات دانشگاه. توفيق همگان را از خداوند منان خواستارم.

محمد رحیم عیوضی

عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

فصل اول

کلیات و چارچوب نظری

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای سیاسی - اجتماعی نیمه‌ی دوم قرن بیستم به شمار می‌آید. این انقلاب، نه تنها اثری پایدار بر تاریخ معاصر ایران بر جای گذاشت، بلکه دامنه‌های آن جوامع دیگر را نیز در معرض دگرگونی قرار داد. این اثرات بدان پایه بود که با گذشت سه دهه، هنوز بررسی‌ها و پژوهش‌های فراگیری از حیث کمی و کیفی درخصوص این تحول شگرف، در ایران و بسیاری کشورهای جهان پیرامون شناخت آن در دست اجراست. علی‌رغم این حجم از پژوهش‌ها هنوز همه ابعاد انقلاب اسلامی و بهویژه اثرات پایدارتر آنکه در واقع فصول مقوم انقلاب اسلامی و متمایز کننده آن از سایر پدیده‌های اجتماعی سیاسی است مورد بررسی قرار نگرفته است. در این کتاب برآئیم تا با نگاهی تاریخی - تحلیلی با علل و پیامدهای انقلاب اسلامی بیشتر آشنا شویم و به صورت گام‌به‌گام ابعاد متنوع انقلاب اسلامی را بررسی نماییم. سعی ما آشناسازی علاقمندان به موضوع انقلاب اسلامی، با منابع مختلف و متنوع به نحوی است که در هر زمینه‌ی مطرح شده، بتوانند مطالعات بیشتری به انجام برسانند و زمینه‌ی اندیشه‌ورزی مجدد در خصوص انقلاب اسلامی ایران فراهم آید. از این حیث تصحیح تصورات و ادراکات پیشین و تعمیق ارزیابی‌ها و نظرات نویافته‌ی در خصوص انقلاب انجام می‌پذیرد و البته بررسی این موارد و نیز روند پژوهی انقلاب اسلامی مقدمه‌ای است برای نگاه به آینده و طرحی همه‌گیر برای فردا.

در توجیه ضرورت مطالعه انقلاب اسلامی در قالب درسی الزامی برای دانشجویان رشته تاریخ و علوم سیاسی پاسخ به یک سؤال کلیدی اهمیت اساسی دارد. سوال این است که بر پایه چه استدلال‌هایی می‌توان از اساسی و جدی بودن مطالعه و گذراندن این واحد درسی دفاع کرد؟ در پاسخ باید خاطر نشان نمود که امروزه پیوند دانش با قدرت، سیاست، دولت و حکومت از اوضاعات علم سیاست است. بنابراین دانشجوی رشته تاریخ با مطالعه درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اشراف بیشتری، نسبت به جایگاه و موقعیت سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کند و به جهت خودآگاهی حاصل از آن، برتawan و قدرت انتخاب در گزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود می‌افزاید. ثانیاً ایرانی بودن دانشجویان در قالب مفاهیمی چون تابعیت و شهروندی در میان مفاهیم سیاسی جایگاه کاملاً مشخص داشته و در ارتباطات سیاسی داخلی و خارجی مبنای رفتارها بوده و در تعیین نوع برخورد و تصمیمات سیاسی موثر می‌باشد. لذا آنچه که حائز اهمیت است و در کنار اجتناب ناپذیری رابطه دانشجو با قدرت و سیاست تأثیرگذار است، آگاهی از جایگاه و هویت سیاسی است که نقش تعیین کننده‌ای در احراق حقوق و عمل به تکالیف فردی و اجتماعی در مجموعه‌ی نظام اجتماعی که از عضویت در آن بهره‌مند است، بر جای می‌گذارد. سه محقق برجسته رشته سیاست مقایسه‌ای بنام‌های گابریل آلموند، پاول جونیور و رابرت جی. مونت در کتاب خود همین عنصر را مبنای تمایز گونه‌های نگرش افراد به مقوله‌های سیاسی قرار داده‌اند. بر این اساس افرادی که از مسایل سیاسی آگاهند و می‌توانند تقاضاهای سیاسی مطرح سازند و در مقابل هواداران قرار دارند، که از مقامات حکومتی و قوانین منفعلانه اطاعت می‌کنند ولی رای نمی‌دهند و خود را درگیر سیاست نمی‌سازند. در مرحله آخر نیز از افرادی یاد می‌کنند، که به طور کامل درگیر خانواده و جوامع محلی خویشنده که کوچک‌اندیش خوانده می‌شوند. بنابراین تلاقي هويت دانشجویي با هويت سياسي امكانياتي تبديل تبعه بودن به شهروند شدن را فراهم مي آورد، چرا که شهروندی مفهومي سياسي مي باشد و منهای آگاهی سياسي بى معنا و حصول ناپذير است. شهروندی نه يك موقعية منفعانه بلکه يك موقعية فعلانه است. حال باید پرسید چه چيزی اصلی‌ترین متغير سازنده سیاست و قدرت و به‌طور کلی روابط قدرت و اوضاع و احوال در ایران است؟ آیا جز پديده‌ي انقلاب اسلامی می‌توان

عامل دیگری را بر شمرد؟ این وضعیت ناشی از ویژگی پدیده‌ی انقلاب است، بدین معنا که همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به عبارت دیگر شما نمی‌توانید هیچ مسئله‌ای را در مورد زندگی فردی و عمومی خود طرح نمایید که از پدیده‌های انقلاب اسلامی ایران تأثیر نپذیرفته باشد. بنابراین تقدیم زمانی - مکانی قدرت و سیاست از یکسو و اهمیت سابقه‌ی تاریخی در چگونگی تحولات و ارتباطات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و آینده‌ی آنها از سوی دیگر سبب می‌گردد که دانشجوی ایرانی برای آگاهی از حقوق و وظایف خود به ارزیابی و شناخت هرچه بهتر و بیشتر منابع، امکانات و ارزش‌های جغرافیایی نظام ملی کشورش، به همراه برجسته‌ترین عناصر دخیل در قدرت و سیاست پردازد. این مهم نیز تنها با شناخت انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن حاصل می‌شود.

۱. فرآیند تکوین جنبش‌ها تا شکل‌گیری انقلاب‌ها: نگاهی کلی

تجزیه و تحلیل جنبش‌های سیاسی - اجتماعی مستلزم آشنایی با مفهوم "جريان" و "جريان سیاسی" است. شناخت و تحلیل چگونگی رخداد انقلاب‌ها در پرتو شناخت جریان‌های فکری سیاسی و تحلیل دقیق تحولات فکری و واقعی سیاسی هر جامعه میسر است. جریان‌های سیاسی دارای سازماندهی و ایدئولوژی مشخصی نیستند، بلکه فرآیندی هستند که در جامعه‌شناسی سیاسی منشأ شکل‌گیری جنبش‌های فکری و سیاسی در یک محیط اجتماعی تلقی می‌شود. در تاریخ معاصر ایران جریان‌های مختلف سیاسی در جامعه ایران وجود داشته است که در این میان جریان‌های مذهبی اسلام‌گرا، ملی‌گرا، چپ مارکسیستی، سلطنت‌طلب و جریان التقاطی بیشتر فعال بوده‌اند. برخلاف همه این جریان‌های سیاسی، تنها جریان سیاسی مذهبی، یعنی نهضت مستقل و عظیم امام خمینی اوچ گرفت که همه احزاب و همه آحاد مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده بود و منجر به شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد و سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ متمیز شد.

۱-۱ مفهوم‌شناسی جریان

در بسیاری از نوشت‌های و تحقیقاتی که موضوع آنها «جريان»، «جريان‌شناسی»، «جريان سیاسی» و «جريان فکری - سیاسی» است، درباره معنای این واژه بحث و بررسی صورت نگرفته و توضیحی در این زمینه ارائه نشده است لیکن در اینجا اشاره خواهد

شد که این مفهوم در معانی مختلفی به کار رفته است، گاهی به معنای جریان جاری یک پدیده سیال است، مانند عنوان «جریان بین‌المللی اطلاعات» گاهی در معنایی «روندی» یک پدیده مانند عناوین: «جریان مذاکرات هسته‌ای در آژانس بین‌المللی» و یا به معنای مشابه مفهوم «واقعه» است، مانند «جریان طبی» «جریان سقیفه» «جریان صلح امام حسن»، «تحلیلی از جریان ملی شدن نفت». آنچه در این پژوهش جریان نامیده می‌شود این است که جریان پدیده‌ای اجتماعی با رویکردی فکری، اندیشه‌ای است که با حفظ اصول و معیارهای قواعد جامعه‌پذیری و به منظور مشارکت در تحولات سیاسی اجتماعی ایفای نقش می‌کند. برای شناخت «جریان فکری - سیاسی» متوجه به جنبش‌ها توجه به روند تاریخی و زمانی جنبش اهمیت به سزاگی می‌یابد. در واقع هر جنبش سیاسی، یک پدیده تاریخی - سیاسی است که با خصلت جریان یعنی پدیده‌ای که از یک تاریخ و دوره معین آغاز شده و در مدت یا دوره مشخص و معینی استمرار داشته و درنهایت به پایان رسیده یا ادامه دارد. تأکید بر استمراری بودن آن، نه صرف یک رخداد و حادثه تاریخی، بلکه مسئله‌ای است که باید در ماهیت جریان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. جریان‌ها به لحاظ کمی دارای سطوح مختلفی هستند. از این زاویه، می‌توان در داخل هر جریان، خردۀ جریان‌هایی را شناسایی نمود. جریان‌های سیاسی پدیده‌ای مهم و نقش‌آفرین در شکل‌گیری تحولات سیاسی - اجتماعی می‌باشند که با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری درونی با مدیریت رهبران تحول خواه بر نظام سیاسی و نیز اقتدار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و جبهه، جناح، حزب، سازمان یا نهاد و گروه ویژه خود را بنیان می‌نهاد. هدف‌نهایی جریان‌های سیاسی، کسب قدرت و استقرار نظام سیاسی مورد نظر است که آن را از طریق راهبردها و راهکارهای مختلف دنبال می‌کنند. [۱] چنانچه جریان سیاسی با ریشه‌های تاریخی به پیدایی، تکوین، دگرگونی، حرکت، استمرار و تطور اندیشه سیاسی و یا تحول در گروه و جامعه سیاسی در طول زمان مشخص اطلاق گردد، مطمئناً در چارچوب جریان‌شناسی سیاسی مورد بحث قرار خواهد گرفت که از آن جمله خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی می‌باشد زیرا: «منشاء تکوین و خیزش جریان‌های سیاسی، نهضت‌ها، بررسی ساخت‌ها علل و عوامل فروپاشی آن‌ها، گروه‌ها، قشرها و طبقات اجتماعی و تأثیر و تأثر عناصر و لایه‌های آن‌ها، مناسبات، روابط، فعل و

انفعالات درونی برونوی امور اجتماعی می‌باشد [۲]» بنابراین در جریان‌شناسی سیاسی، پیدایی، پویایی و تطور سیاسی در جامعه و نیز ساختار و بنیادهای فکری گروه‌های سیاسی، مورد نظر است. چنانچه گروه‌هایی که دارای گرایش‌های سیاسی همگون یا یکسان مبتنی بر ارزش‌های مشترک‌اند و به سوی پدید آوردن یک خرد فرهنگ سیاسی پیش می‌روند و در یک مقطع زمانی معین در حرکت و جنبش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته‌اند، به عنوان یک جریان تلقی می‌گردند. [۳] از کلیت مطالب فوق می‌توان چنین استنباط کرد که جریان‌شناسی سیاسی، به معنای یک حرکت سیاسی پویا و سیال است که با برخورداری از گفتمان مشخص و گرایش‌های فکری درونی و با کمک رهبران خود بر نظام سیاسی و نیز اقشار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد.

(۲) مفهوم‌شناسی جنبش

به طور کلی تعاریف و مباحث درباره‌ی جنبش‌های اجتماعی نیز همانند سایر مفاهیم علوم انسانی گستردۀ و با ابهام‌های فراوانی مواجه است. تعاریف گوناگونی از جنبش اجتماعی ارائه شده است، برخی بر نقش ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی که آن‌ها را به وجود می‌آورند تأکید دارند و برخی نقش تشكّل، سازماندهی و شبکه‌های ارتباطی و برخی استمرار و پایداری آن‌ها را مهم می‌دانند و برخی عنصر آگاهی بخشی و هویت بخشی آن‌ها را برجسته می‌کنند. "جنبش، فرآیند حرکت اجتماعی سازمان یافته در جهت ایجاد تغییرات هدفمند در جامعه است که با اعتراض جمعی و نارضایتی اجتماعی همراه بوده و دارای رهبری و انسجام درونی می‌باشد. در این تعریف عناصری مورد تأکید قرار دارد که عبارتند از سازمان یافتنی، وجود یک گفتمان و ایدئولوژی، اراده بر تغییرات اجتماعی و هدفمندی. البته برخی اعتراض را جنبش اجتماعی می‌دانند. علت این است که مفهوم اعتراض در تعریف جنبش اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد." لازم به ذکر است که جنبش با اشکال ابتدایی رفتار اجتماعی (از قبیل آشوب) متفاوت است زیرا جنبش‌ها سازمان یافته‌تر و پایدارتر از رفتار جمعی دیگر است. [۴] جهان به هم پیوسته کنونی امکان جداسازی دقیق حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از هر پژوهشگری سلب کرده است. تا هنگامی که یک گروه کسب قدرت سیاسی را هدف خویش قرار نداده باشد و تنها با

فعالیت‌های اجتماعی خود به طرح اعتراضات، اشکالات و نابرابری‌های موجود در ساخت حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسته نموده و تقاضای اصلاح آن را می‌نماید به عنوان یک جنبش اجتماعی قابل طرح و شناسایی است. گی روشه در کتاب خود با عنوان "تغییرات اجتماعی" جنبش اجتماعی را عبارت از سازمانی کاملاً متشكل و مشخصی می‌داند که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه‌بندی و تشکل اعضا می‌پردازد. [۵] تام با تامور در کتاب جامعه‌شناسی می‌گوید: در تحلیل عمل سیاسی – یعنی مبارزه برای قدرت – لازم است اساساً به فعالیت گروه‌های اجتماعی نگاه کنیم نه به اعمال افراد هرچند ممکن است گاهی لازم باشد که نفوذ افراد به خصوص را در بررسی وضعیت‌های خاص حساب کنیم گام نخست در این تحلیل تشخیص شیوه‌های گوناگون گروه‌های اجتماعی در پرداختن به سیاست و ماهیت این گروه‌هاست. آشکار است این گوناگونی بسیار زیاد است و از اعتراض‌های پراکنده، اغتشاش، سورش و کودتا تا فعالیت‌های به هم پیوسته احزاب سیاسی سازمان یافته، گروه‌های فشار یا افسران نظامی سیاسی شده را دربر می‌گیرد. اما بیشتر این پدیده‌ها می‌توانند در دو مقوله وسیع که من از آن‌ها به عنوان جنبش‌های اجتماعی و فرماسیون‌های سیاسی سازمان یافته یاد می‌کنم جای می‌گیرد. [۶] به عقیده دیانی در طبقه‌بندی نظریه‌ای جنبش اجتماعی می‌توان به چهار رویکرد اشاره کرد. این چهار رویکرد که هیچ‌کدام به معنی یک مکتب واقعی نیست شامل رفتارگرایی، بسیج منابع، فرآیند سیاسی و جنبش‌های اجتماعی جدید می‌باشد. دیانی معتقد است که دیدگاه رفتارگرا توجه تحلیل‌گران را به "رفتار جمعی به مثابه فعالیتی معطوف به معنا" جلب می‌کند و "رویکرد بسیج منابع" بر اهمیت اجزای عقلانی و راهبردی پدیده‌های به ظاهر غیرعقلانی تأکید می‌ورزد؛ رویکرد فرآیند سیاسی توجه خود را بر ساخت فرصت‌های سیاسی متمرکز نموده است و در رویکرد جنبش‌های نوین اجتماعی مسائل مربوط به ساختار اجتماعی و هویت‌های جدید مورد توجه قرار می‌گیرد. دیانی این دیدگاه‌ها را نفی کننده‌ی یکدیگر نمی‌داند، بلکه معتقد است هریک از این دیدگاه‌ها به موضوع جنبش‌های اجتماعی از زوایای گوناگون توجه شود. بر این اساس، وی به طرح نقاط مشترک نظریه‌های فوق در قالب سه عنصر «شبکه تعاملات غیررسمی»، «اعتقادات

مشترک و همبستگی»، «عامل جمعی متمرکز بر منازعات و اعتراضات نامتعارف»، که ریشه تاریخی دارند، پرداخته است. به عقیده دیانی، یک جنبش اجتماعی، شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین تعداد متنوعی از افراد گروه‌ها و سازمان‌ها است. مرزهای شبکه‌ی یک جنبش اجتماعی به‌وسیله هویت جمعی خاصی تعیین می‌گردد که بین بازیگران درگیر، در تعامل مشترک است. بازیگران جنبش‌های اجتماعی نیز در برخوردهای سیاسی یا فرهنگی درگیر می‌باشند و از این طریق تغییرات اجتماعی را در سطوح سیستمی و غیرسیستمی افزایش می‌دهند و یا به مخالفت با آن می‌پردازن. بنابراین یک جنبش اجتماعی، شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها محسوب می‌شود که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخوردهای سیاسی یا فرهنگی درگیر می‌باشند. [۷] به‌طور کلی افرادی نظیر تورن، هابر ماس و ملوچی برخلاف نظریه‌های کلاسیک و نهادی، هدف جنبش اجتماعی را تأثیرگذاری بر فرآیند سیاسی قلمداد نمی‌کنند، بلکه هدف آن‌ها را در هم شکستن مرزهای نظام اجتماعی و دگرگونی آن می‌دانند.

الف: ویژگی‌های جنبش

در کنار ویژگی‌هایی چون، سازماندهی، مطرح کردن ارزش‌ها و ایده‌ها و همبستگی مشترک که در تعاریف مربوط به جنبش ذکر شده است، ویژگی‌های مشترک دیگری نیز به شرح ذیل معرفی می‌شود.

۱. داشتن اهداف مشخص و قابل دسترس؛
۲. وجود هویت مشترک و تفکر راهبردی و ایدئولوژی حداقلی که عامل همبستگی و انسجام درونی بوده، هدف را توجیه و مشروعیت جنبش را تقویت نماید و چگونگی دست‌یابی به هدف را ترسیم کند؛
۳. داشتن رهبری تحول‌ساز و کارآمد که مورد اطاعت و پذیرش اکثریت قریب به اتفاق اعضاء و حامیان جنبش باشد؛ [۸]
۴. اصل مخالفت و منازعه در برابر نیرویی که تلاش می‌کند تا در برابر آن‌ها مقاومت کند و بر آن‌ها غلبه کند.
۵. فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای ایجاد تحول اجتماعی.

مهمترین تاثیرات جنبشها برای تغییر در لایه‌های اجتماعی عبارتند از:

۱- زمینه را برای مشارکت اجتماعی و سیاسی فراهم می‌کنند؛

۲- زمینه را برای ساماندهی و توانمند سازی افراد جامعه در قالب

اجتماعات محلی و سازمانهای غیر دولتی فراهم می‌سازند؛

۳- عاملی برای تقویت اگاهی‌های جامعه هستند؛

۴- قدرت چانه زنی را ارتقاء می‌بخشند؛

۵- به عنوان اهرم‌های فشار ایفای نقش می‌کنند؛

۶- به شکل گیری قدرت اجتماعی کمک می‌نمایند. [۹]

«جنبش‌های اجتماعی» را در دارا بودن چهار خصلت مشابه دانسته‌اند:

۱. وجود شکاف و تضاد بین دو دسته یا قشر از جامعه که بهانه و علت شکل‌گیری یک تضاد دوگانه و نهایتاً یک جنبش می‌شود.

۲. وجود یک گفتمان یا ایدئولوژی که آموزه‌ها، ایده‌ها و شعارهای مشترک هوداران جنبش را شامل می‌شود و برای ایشان در جریان قبول یا استقبال از آن آموزه‌ها، موجبات ایجاد و احساس آگاهی، هویت و همبستگی نسبت به یکدیگر را فراهم می‌آورد.

۳. وجود یک شبکه‌ی وسیع روابط جمعی و غیررسمی در میان دسته‌ای از همفکران، همکاران و دوستان. شبکه‌ای که نهادهای حکومتی را یارای از بین بردن آن به آسانی نباشد.

۴. امکان شکلی از اعتراض جمعی. چنین امکانی معمولاً وقتی فراهم می‌شود که یا ساختارهای دولت اجازه فعالیت به جنبش‌ها بدهد، یا دولت ضعیف باشد و قادر به کنترل فعالیت جنبش‌ها نباشد، و یا نیروی ناشی از بسیج مردمی جنبش چنان قوی باشد که دولت نتواند آن را کنترل کند. [۱۰]

در تحلیل نهضت امام خمینی(ره)، شباهت‌های فراوانی با آنچه ویژگی‌های جنبش اجتماعی نامیده می‌شود، وجود دارد از جمله:

(۱) اولین خصلت پدیدآورنده و زمینه‌ساز ظهور جنبش وجود شکاف‌های اجتماعی است. از جمله شکاف‌های قومیتی، جغرافیایی، طبقاتی، مذهبی، نسلی، فرهنگی و ... در

جامعه ایران مجموعه‌ای از شکاف‌های اجتماعی متنوع وجود داشت. وجود این شکاف‌ها در جامعه ایران به عنوان شرط اولیه ظهور جنبش اجتماعی محقق شده بود.

۲) عامل مهم دیگری که در تبدیل یک جنبش به انقلاب نقش به سزاوی ایفا می‌کند تأثیر ایدئولوژی در گسترش روحیه انقلابی و اتحاد مردم است. در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایدئولوژی اسلامی و گفتمان شیعی نقش بسیار مهمی و عمیقی در گسترش روحیه انقلابی و بسیج مردمی داشت.

۳) وجود رهبری کاریزماتیک یکی دیگر از عوامل اصلی پیروزی یک انقلاب به شمار می‌آید، در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) به عنوان رهبری کاریزماتیک و هدایتگر و جهت‌دهنده جنبش نقش اصلی را در پیروزی و پیشبرد انقلاب اسلامی داشت.

۴) وجود نارضایتی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز ظهور انقلاب است. به عنوان مثال استبداد رژیم پهلوی و شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران در این دوره و مداخله‌های استعمار در سرنوشت و مقتضیات جامعه، شرایط مستعد رشد جنبش اعتراض‌آمیز انقلابی به رهبری امام خمینی(ره) را مهیا نمود.

ب: رابطه جنبش و جریان

در خصوص پیوند بین جنبش‌ها و جریان‌های اجتماعی باید تأکید داشت که:

۱- جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی است که ریشه در دگرگونی‌های تاریخی دارد یعنی متنسب به جریان‌های اجتماعی هستند که دوره‌های تاریخی متفاوتی را تجربه کرده‌اند.

۲. جنبش اجتماعی، حاصل جریانات اجتماعی با پیشینه و هدفمند است که با اهداف، مسائل خاص و دغدغه‌های طرفداران آن همراه است.

۳. جنبش اجتماعی، متنسب به یک جریان اجتماعی است که دارای خاستگاه و کانون مرکزی است.

۴. جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی با نمادها و سمبل‌های مشخص و معین است.

۵. جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی با پایگاه اجتماعی معنوی است. پایگاه معنوی جریان‌ها در قلوب مردم و هواداران که به جریان اعتقاد دارند تجلی می‌یابد.
۶. جنبش اجتماعی، یک جریان اجتماعی است که دارای پایگاه مادی است. پایگاه اجتماعی مکانی است که نمادهای آن جریان را منعکس می‌کند. برخی موارد خود پایگاه در زمرة سمبول‌ها و نمادها قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در جنبش‌های اسلامی، بسیج پایگاه مهم اجتماعی جریان نمادین و یکی از نمادهای مهم محسوب می‌شود.

ج: روند تبدیل جنبش به انقلاب

جنبش، مفهومی است که نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با اصلاحات و انقلاب نزدیک است. در واقع جنبش بسترهاي تحول در جامعه را شکل می‌دهد که این تحول می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد. تفاوت عمدۀ جنبش با انقلاب و اصلاح، در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز هدف نهایی است. تغییرات اجتماعی حاصل از جنبش اگر به گونه‌ای مسالمت‌آمیز منجر به تغییرات آرام و تدریجی شود، رفرم و اصلاح نام دارد و اگر این تغییرات، اساسی و بنیادی و توأم با خشونت باشد به انقلاب خواهد انجامید. از نگاه شهید محمدباقر صدر، انقلاب جنبش سرسختانه و بر بنای اصول مکتبی معین است که با درک واقعیت‌های موجود به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در کلیه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های ریشه‌ای حاکم است.^[۱۱] بروز جنبش‌ها و بحران‌های داخلی، از جمله عوامل تأثیرگذار در کاهش قدرت حکومت مرکزی و بروز جنگ‌های داخلی است. از سوی دیگر متقابلاً افزایش قدرت حکومت مرکزی در سرکوب شورش‌ها و تضعیف جنبش‌ها و برقراری ثبات و امنیت و جلوگیری از بروز جنگ‌های داخلی مؤثر است از طرفی سختگیری‌های بیش از اندازه حکومت مرکزی نسبت به گروه‌های معارض و به کارگیری ابزار سرکوب و زور، موجب گسترش هرج و مرچ و تضعیف حکومت مرکزی در اعمال نفوذ مؤثر و پایدار در جامعه می‌شود. همان‌گونه که بروسکوهن معتقد است «همه جنبش‌ها در یک دوران بحرانی آغاز می‌شوند سپس وارد مرحله ناآرامی می‌شوند ناآرامی ناشی از نارضایتی عمومی مرحله برانگیختگی مردم را ایجاد می‌کند و در مرحله چهارم مرحله قالب‌بریزی یعنی ایجاد ساختار سازمان‌یافته سلسله مراتبی رسمی صورت می‌گیرد و مرحله پایانی

مرحله نهادی شده است. در صورتی که جنبش در جذب طرفداران و جلب، حمایت عمومی مردم موفق شود، جنبش نهادی می‌شود و نوعی دیوانسالاری در جنبش ایجاد می‌شود). [۱۲] از این حیث جنبش، گروهی سازمان یافته و متشكل از اعضاء است که به منظور دفاع از عقاید و ارزش‌های خود و یا دستیابی به هدف‌های مشخصی (قدرت طلبی - تغییر مذهب - تغییر اجتماعی - آزادی خواهی و ...) سعی در گسترش و پیشرفت خود و حتی به‌دست آوردن قدرت دارد در واقع جنبش، فعالیت‌های سازمان یافته گروهی است که می‌خواهند ساختار اجتماعی را تغییر دهند یا به قدرت سیاسی برسند. همه جنبش‌ها اهداف یکسانی را دنبال نمی‌کنند و همه جنبش‌ها به موفقیت نائل نمی‌شوند. به‌طور مثال، در ۱۳۵۷ جنبش اجتماعی - سیاسی ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی (ره) به مبارزه با قدرت مسلط شاهنشاهی ایران پرداخت و توانست انقلاب اسلامی را موفق و دولت جمهوری اسلامی را براساس مذهب تشیع تأسیس کند. اما سایر نهضت‌ها مانند مشروطیت، اصلاح‌گرایی و ... هر چند چنین داعیه‌هایی داشتند اما نتوانستند پیروز شوند.

(۳) مفهوم‌شناسی پدیده انقلاب؛ تعاریف و نظریه‌ها

اکنون با مرور بر برخی تعاریف و نظریه‌های ارائه شده، در خصوص پدیده‌ی انقلاب، ویژگی‌های سازنده و معرف آن را، شناسایی می‌کنیم. نکته‌ی که می‌تواند ما را، به درک بهتر این موضوع یاری کند، توجه به معنای لغوی «انقلاب» می‌باشد. واژه انقلاب از نظر لغوی (به معنای چرخی که در حال چرخیدن است و لذا شامل چیزهایی است که با چرخش واژگون شده اند)؛ می‌تواند به‌طور مؤثر برای موقعیت‌هایی در نظر گرفته شود که در آن تغییرات بزرگ در سرشت سیاست و جامعه روی می‌دهد و از نظر سیاسی به معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هریک از نویسنده‌گان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاهی که درباره انقلاب دارند، درباره این واژه توضیحاتی را ارائه داده‌اند. در ابتدا واژه‌ی انقلاب به معنای «حرکت در دایره» در «ستاره‌شناسی» به کار می‌رفته، و به گفته‌ی «هانا آرنت» به واسطه‌ی اثر بزرگ «کپرنيک» [۱۳] در علوم طبیعی دارای اهمیت شد. [۱۴] «هانا آرنت» از نظریه‌پردازان انقلاب در پیشینه تاریخی مفهوم انقلاب چنین می‌نویسد: «کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه اثر بزرگ کپرنيک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی معنای دقیق لاتینی

خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود حفظ کرد. در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی به ویژه در ممالک غربی به کار می‌رود که در آنجا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن بر آخرین مرحله توسعه این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است" انقلاب به عنوان یک پدیده به تغییر اساسی در نهادها و برنامه‌های کاری و ماهیت کلی حکومت و نیز روابط آن با جامعه اطلاق می‌شود. بنابراین انقلاب‌ها نسبت به کودتا و دیگر اشکال غلبه بر حکومت از قدرت دگرگونی عمیق‌تری برخوردار است. کودتاها اغلب تنها شامل تغییراتی در صاحبان مقام یا حداقل سیاست‌هایشان است. اما انقلاب دربر گیرنده تغییرات ساختاری در ترکیب اساس و عملکردهای دولت و بنابراین چگونگی روابط حکومت و جامعه است. انقلاب‌ها شامل اجزایی هستند که همیشه آسان به دست نمی‌آیند میلیون‌ها نفر مردم که برایشان پیگیری یک آرمان ضروری‌تر از کارهای روزمره زندگی شده است با فروپاشی نهادهای دولتی و جایگزینی آن با نهادهای جدید دیگر، نظری سیاسی که کاملاً متفاوت از نظام قدیم است ایجاد می‌کنند. این تغییرات نه فقط در داخل کشور بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی طنین‌انداز می‌شود و بر توازن قوا، ائتلاف‌ها و اقتصاد بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. [۱۵] انقلاب‌های کامل را می‌توان به عنوان تغییرات نادر و بنیادین‌تر در نظام سیاسی قلمداد کرد که ضمن آن گروه‌های اجتماعی به قدرت می‌رسند و دولت کارهای جدیدی را به شیوه‌ای دیگر احتمالاً با ادعایی متفاوت در مورد مشروعيت بر عهده می‌گیرد [۱۶] آنچه، در ادبیات سیاسی، «انقلاب» محسوب می‌گردد، در واقع نمونه‌ای از یک جریان کلی تغییرات سریع، وسیع و عمیق می‌باشد، که به فراخور حوزه‌ی تخصصی، برگزیده و مطالعه، می‌شود، بنابراین در توجه به آن نباید از سایر وجوده حیات انسان امروز غافل بماند، چرا که پدیده‌ی انقلاب نیز، دستاورد و ثمره‌ی تعامل شرایط خاص هر جامع، با محیط پیرامون آن است، و از این‌رو «انقلاب»، مفهومی جدا افتاده، و حادثه‌ای غریب و بی‌ارتباط با سایر اتفاقاتی، که ما را احاطه کرده‌اند، و بر سرنوشت ما تأثیر (مثبت و منفی) می‌گذارند، نمی‌باشد. پدیده‌ی انقلاب به‌طور مشخص، عصیان علیه نظام سیاسی حاکم و پدیده‌ای متعلق به دوران کنونی است. در واقع با رنگ باختن لزوم اطاعت سیاسی، به دلایل مختلف، رفوارهای سیاسی حالی، معارضه‌جویانه می‌یابند، و بدین ترتیب زمینه‌ی پذیرش انديشه‌های انقلابی، فراهم